



فراز و فرود سودان با «عمر البشير»

# مصائب رئیس جمهور همه کاره

۱۴

گفت و گو با امیر بشیری، کارگردان نمایش «باغ خونی» که به ماجرای قیام مسجد گوهرشاد می پردازد

## یک تاریخی عاشقانه

۱۴



بخششده ۱۶ خن ۱۳۹۷ / ۱۹ ریع الثنی ۱۴۴۰ و ژانویه ۱۹ P۰ شماره AA۷۲ ZENDEGI@QUDSORLINE.IR

### سیما و سینما

گفت و گو با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

## فیلم سازی یک خانم خانه دار با امکانات امانتی



ماجرای زن خانه داری که با داشتن دو فرزند خردسال، از آشنا و فامیل برای فیلم سازی می گیرد و باید حوصلش به نور صحنه، صدا و بازیگوشی کودکان هم باشد، حتماً شنیدنی است. فیلم سازی با داستان خالی، ماجرای «سپیده شرابی» کارگردان فیلم «کلت» است که اثرش برنده فانوس بخش «فیلم ما» در جشنواره عمار شده است. فیلم کوتاهی که در آن، ترامپ با تفنگ پلاستیکی کودکان از صفحه تلویزیون پاک می شود و خانواده ای را نشان می دهد که فرصت با هم بودنشان را با عبور از بحث های بی نتیجه سیاسی که جز اضطراب و ناامیدی، حاصلی برایشان ندارد خراب نمی کنند. با سپیده شرابی که فیلمش منتخب بخش «فیلم ما» در این دوره از جشنواره عمار شده است، درباره تجربیات و مصائب ساخت فیلم کوتاه اش گفت و گو کردیم. فراخون «بخش ما» در جشنواره عمار، بخشی بود که افراد می توانستند با داشتن حداقل اطلاعات فیلم سازی و امکاناتی مثل تلفن همراه و دوربین خانگی...

### ورزش

مالک جدید در اولین نشست خبری اش با رسانه ها فرصت خواست

## خودروی پدیده در پیچ تاریخی

### اندیشه

برای آینده بهتر اقتصادی باید از کودکی آغاز کرد

## کلید اصلاح اقتصاد در دست خانواده ها و نظام آموزشی

### مردم

حاج علی جمالی معتقد است هم شهری های پیش بهترین محصول کبکاب ایران را تولید می کنند

## خرمای باستانی بهرام آباد

### عکس نوشت

خانم های ایرانی؛ من قصد بدی ندارم!



**مجید استیری:** خانم های محترم کشور من! این متن کوتاه قصد ندارد مانع از ورود همسر شما به آشپزخانه شود! فقط می خواهد کاری کند فرهنگ غلط به آشپزخانه شما راه پیدا نکند.

در تبلیغات تلویزیونی هر جا که پای خوراکی در میان است یک آقا پیش بند بسته و در یک آشپزخانه تر تمیز در حال بیرون کشیدن کیک یا پیتزا از فر است. هر جا پای شستن ظرف ها در میان است همان آقا با پیش بند و دستکش ظرفشویی در حال خدمت است. در مورد دستمال کاغذی و شستن لباس ها و بقیه کارهای خانه هم اوضاع چندان فرقی نمی کند.

آن چه معلوم نیست این است که مردانی چنین خدمتگزار خانواده ساعات کار را کی به پایان رسانده اند و کی استراحت کرده اند که حالا این طور شد و شگول به کارها می رسند؟ هر مرد مؤمن و خانواده دوستی قطعاً دوست دارد در کارهای بی پایان خانه به همسرش کمک کند، ولی چقدر و در چه شرایطی؟ آیا چنین شرایطی برای همه مخاطبان تلویزیون فراهم است؟ بی شک هر تولید کننده ای قصد دارد در هنگام تبلیغ محصولش حس خوشایندی در مخاطب ایجاد کند و برای ایجاد این حس در خانم های ایرانی چه ترفندی مؤثرتر از نشان دادن همسر در آشپزخانه؟ ترفندی که تأثیرش را اندک اندک و در ناخودآگاه زن ایرانی بر جای می گذارد.

اما وقتی چنین توقعی در واقعیت برآورده نشود چه خواهد شد؟ آیا زن ایرانی که مجبور است هر روز بارها و بارها تصاویر مردان پیش بند بسته را در قاب تلویزیون ببیند می تواند از دامنه نفوذ توقعات غلط بگریزد؟ چرا صاحبان سرمایه اجازه داشته باشند با دستکاری کردن توقعات مردم تغییراتی ولو اندک در فرهنگ خانواده ایرانی به وجود بیاورند؟ چرا تبلیغاتی که بر پایه سبک زندگی مرفه ترین قشر مرکز نشینان طراحی شده در شبکه های سراسری پخش می شوند؟ خانم های محترم کشور، من! قصد ندارم مانع از ورود همسر شما به آشپزخانه شما! امیدوارم خودتان این کار را بکنید!

### به روایت تاریخ

**سخت ترین بوران تاریخ بشریت در ایران**

این اولین باری نیست که ایران درگیر یک سرمای سخت می شود. درست ۴۵ سال پیش در ۱۳۵۰ شمسی؛ «ایران» منجمد می شود و مردم به رعب و وحشتی عجیب می افتند؛ بسیاری کشته می شوند. طوری که گینس در کتابش از آن به عنوان سخت ترین برف و بوران تاریخ بشریت یاد کرده است. این سرما و بوران باعث مرگ بیش از ۴۰۰۰ نفر شد و به خشکسالی چهار ساله کشور پایان داد. ضمن این که حدود ۲۰۰ روستای ایران زیر برف مدفون شدند و برای همیشه از بین رفتند. این رویداد که از چهاردهم بهمن سال ۱۳۵۰ آغاز شد و تا ایستیم همان ماه ادامه یافت، باعث بارش غیرعادی برف به میزان بیش از سه تا شش متر در برخی مناطق ایران شد. بنابر گزارش های روزنامه اطلاعات در همان روزها، شهر اردکان در استان فارس و روستاهای اطراف آن از جمله مناطقی بودند که بیشترین تأثیر را بر اثر بوران متحمل شدند. همچنین در روستاهای کاکان و کمهر سبیدان فرج زندهای باقی نماند

نگاهی به پیش بینی یک استاد هواشناسی از زمستان امسال که در فضای مجازی حساسی سروصدا کرده و مردم را ترسانده است

## عصر یخبندان!



**حامد کمالی:** وسط جنگ و دعوای سیاسی و بحث بر سر فیلترینگ و ماجرای دو گیگ اینترنت، پیش بینی های عجیب و غریب یک استاد آب و هواشناسی از زمستان امسال، تعداد زیادی از مردم را نگران کرد و به قول معروف شهر را به هم ریخت، بویژه آن هایی که در شهرهای شمالی کشور زندگی می کنند و دو سه سالی هست که برف و بوران های سخت زمستانی زندگی شان را مختل می کند. خیلی از کاربران در اقدامی هماهنگ شروع کردند به منتشر کردن صحبت های استاد در خصوص پدیده ای به نام cold spell. البته در این دست به دست شدن پیش بینی، پیاز داغ ماجرا زیاد شد، طوری که حالا همه فکر می کنند قرار است از اواخر دی ماه در ایران عصر یخبندان آغاز شود و مهمان یخ بزنیم.

**پیش بینی سرمای شدید ماندگار کار چه کسی است؟**

این پیش بینی برسرورصدا را استاد حسین اردکانی انجام داده است. پیرمردی که در آبهواشناسی مو سفید کرده آن طور که سایتها و خبرگزاری ها نوشته اند، اردکانی، متولد ۱۳۱۲ است؛ دکترای فیزیک دارد و از شاگردان پروفسور حسینی است که از سال ۱۳۳۹ در سازمان هواشناسی ایران به عنوان یکی از بنیان گذاران این سازمان شناخته می شود. پروفسور اردکانی علاوه بر سابقه ۱۵ سال تدریس در دانشکده ژئوفیزیک دانشگاه تهران به بیش از ۵۰ سال تدریس در دانشکده هواپیمایی کشور و نیز سال ها تحقیق در دانشگاه های آمریکا پرداخته است.

اینها همه آن چیزی است که ما از حسین اردکانی می دانیم.

**قرار است چه اتفاقی در ایران بیفتد؟**

خبر سرمای سخت و عصر یخبندان را اولین بار خبرگزاری تسنیم مخابره کرده آن هم براساس مصاحبه ای که با دکتر اردکانی انجام داده بودند. ایشان در آن مصاحبه گفته بود که: «در دی ماه جاری شاهد نخستین وقوع پدیده «کولد اسپل cold spell» یا همان ماندگاری هوای سرد به مدت حداقل ۱۰ روز بعد از ریزش برف زمستانی در کشورمان خواهیم بود.

این استاد علم هواشناسی، علت این پدیده را «هجوم هوای بسیار سرد» از روی یخ زده «برنس» در حاشیه اقیانوس منجمد شمالی و در شمال کشورهای اسکندیناوی به طرف کشورهای اروپای شمالی و مسیری به طرف اروپای مرکزی و دریای سیاه و در نهایت شرق دریای مدیترانه عنوان کرده است. اردکانی در ادامه توضیح داده است که انتظار می رود از پنجم ژانویه ۲۰۱۹ م مطابق با ۱۵ تا ۲۵ دی ماه سال ۱۳۹۷ کشورمان تحت تأثیر این حادثه زمستانی قرار گیرد.

اما آن چیزی که این پدیده را برای مردم خیلی جدی کرده است، پیامدهای آن است که استاد بی هیچ سانسوری از آن حرف زده و گفته است: «پیامد آن در تمام نواحی غربی، شمال غربی، سواحل دریای خزر، استان های شمالی و جنوبی البرز و همچنین منطقه زاگرس، نواحی جنوبی، استان های شرقی و شمالی کشور به استثنای جنوب شرق کشور، ریزش برف و باران خواهد بود که در برخی نقاط، ریزش برف قابل ملاحظه است و پس از عبور این سامانه بارشی سرد،

این استاد هواشناسی را می خوانید:

آبان ۱۳۹۷: برخلاف پیش بینی های سازمان هواشناسی، امسال بارندگی ها بالاتر از حد نرمال است و نمی توان سال ۹۷ را آغاز شدیدترین خشکسالی نیم قرن اخیر در ایران نامید. جای تعجب است که چرا رئیس سازمان هواشناسی در ابتدای سال جاری پیش بینی کرده بود خشکسالی شدید تا پایان سال زراعی ۹۷-۹۶ ادامه می یابد و هشدار به آغاز شدیدترین خشکسالی نیم قرن اخیر در ایران را داده است. پیش از این پیش بینی کرده بودم که از ۲۱ آبان ماه شدت بارندگی ها افزوده شده و حتی در ارتفاعات شاهد بارش برف هستیم. بارندگی های پاییز و زمستان امسال همانند بهار از حد نرمال بالاتر خواهد بود و در میانه سال های خشک ایران امسال شاهد ترسالی هستیم.

بروردین ۱۳۹۷: تابستان امسال بر اساس بررسی های انجام شده تابستان خشک تری نسبت به سال گذشته خواهد بود، البته این کاهش دما دو تا سه درجه است و نباید انتظار یک هوای بهاری را داشته باشیم. در ادامه این شرایط رشته کوه البرز هم تحت تأثیر قرار گرفته و به همین دلیل پیش بینی بنابر این وضعیت بحرانی برای من یک معمای بزرگی بهمین ۱۳۹۶: من یک هواشناس سالخورده هستم که حدود ۶۰ سال است که به طور مداوم وضعیت جوی کشور عزیزم ایران و همچنین تمام نیمکره شمالی را مدنظر و بررسی دارم، اما این چنین وضعیت بحرانی را که به صورت تقریباً خشکسالی مطلق است، ندیده ام و حتی آنکه ادامه آن در اول ماه زمستان هواشناسی یعنی دسامبر و حتی تا دومین ماه دوم ژانویه ادامه داشته باشد، یعنی تقریباً بی بارشی و دمای بالای نرمال.

پیش بینی باری نیست که دکتر اردکانی پیش بینی های این نخستین باری از آب و هوای ایران می کند. پیش بینی هایی که در این سالها بعضی هایش به واقعیت تبدیل شده و بعضی هایش در حد همان شایعات اینستاگرامی و تلگرامی باقی مانده است. در ادامه برخی از معروف ترین پیش بینی های

### مجاز آباد

**سومین صفحه رسمی در میان رهبران دنیا**

صفحه اینستاگرام منتسب به حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب با بیش از ۱۲۷ میلیون لایک، کامنت و ارتباط با مخاطب به عنوان سومین صفحه رسمی این نرم افزار بین رهبران دنیا در سال ۲۰۱۸ انتخاب شد. صفحه اینستاگرام رهبر انقلاب ۳۲ میلیون دنبال کننده فعال دارد و در طول روز هزاران نفر از مردم ایران و همچنین مردم سراسر دنیا از این صفحه بازدید می کنند.

**ارزش هائمی میرند**

محسن رضایی با انتشار پستی در خصوص سفر اخیر خود به قم، صفحه اینستاگرام خود را به روزرسانی کرد. محسن رضایی که به مناسبت هفتمین روز رحلت آیت الله هاشمی شاهرودی به قم سفر کرده بود، به دیدار از سه خانواده شهید پرداخته و پای صحبت های آن ها نشست که تصاویری از حاشیه این سفر در اختیار کاربران قرار داد. محسن رضایی در اینستاگرام خود نوشت: «زیارت حرم نورانی حضرت معصومه (س) پس از شرکت در مراسم هفتمین روز رحلت آیت الله هاشمی شاهرودی (ره) و دیدار با سه خانواده شهید، هر دو فرصت خوبی برای نشستن پای صحبت هموطنانم فراهم آورد. مردم علاوه بر درغغه، به امید نیاز دارند. نشستن پای صحبت خانواده های شهید، روحیه بخش و یادآور آن است که ارزش ها هرگز نمی میرند».

**بهشت توریست ها!**

در حالی که اکثر رسانه های خارجی سعی در سیاه نمایی درباره کشور ایران و شرایط اقتصادی آن دارند، یک توریست خارجی پس از سفر به ایران و رفتن به هتل در همدان، ویدئویی در اینستاگرام منتشر کرد درباره وضعیت اقتصادی ایران توضیحاتی ارائه داد. این توریست با تعجب درباره قیمت اجناس در ایران صحبت می کند و توضیح می دهد که سفر به ایران چقدر برای توریست ها کم هزینه است. با اسکن کد مندرج در صفحه، می توانید ویدئوی منتشر شده این توریست و صحبت های جالبش درباره ارزانی در ایران را مشاهده کنید.

**نگذارید حرف امام به زمین بماند همین**

احمدرضا احدی آبان ماه سال ۱۳۴۵ در اهواز متولد شد و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، به عنوان مهاجر جنگی همراه خانواده به ملایر بازگشت و در رشته علوم تجربی در دبیرستان دکتر شرعی به ادامه تحصیل پرداخت، تا آن که در سال ۶۳ موفق به کسب دیپلم شد. در ۶۴ در کشور سراسری تجربی رتبه اول را کسب کرد و در رشته پزشکی در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شد و در آن جا به ادامه تحصیل پرداخت. احمدرضا احدی سرانجام در شب دوازدهم بهمن ماه سال ۶۵ به شهادت رسید و پس از پانزده روز که پیکر آن شهید مهمان آفتاب بود، به شهرستان ملایر بازگردانیده شد و در آرامگاه عاشورای ملایر به خاک سپرده شد. متن تنها وصیتنامه به جا مانده از شهید احمدرضا احدی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم  
فقط، نگذارید حرف امام به زمین بماند همین



## گفت و گو

نگاهی به برخی واژه‌ها در فرهنگ نخل داری

## از خارک تا خرما

خرما و خرماداری، حرفه اصلی کشاورزهای جنوبی است. در این خطه از کشور، نخل اصلی‌ترین درختی است که می‌روید و به بار می‌نشیند. برای همین هم نخل داری و تولید خرما، اصلی‌ترین حرفه‌ای است که در این مناطق رواج دارد. تعدد و تنوع نخل‌ها و محصولاتشان و نیز، مراحل مختلف خرماداری مجموعه وسیعی از کلمات را پرورش داده است که در کنار هم فرهنگی وسیع و متنوع را ساخته است. برخی از آن کلمات این‌ها هستند:

**پَدیس یا پَدوس:** خارکی که سببز و کال است. قبل از اینکه هسته‌اش سفت شود اگر به جای گرمی منتقل شود، نرم و تیره شده و قابل خوردن می‌شود. به پدیس در خوزستان، «داموج» می‌گویند.

**خارک:** ثمر نخل رسیده و رنگ گرفته روی پنگ چون خوشه‌ای آویزان است و معمولا قرمز و یا زرد می‌شود.

**دمباز:** به خارک رسیده سرخ یا زرد گفته می‌شود قبل از اینکه کاملا رطب بشود. دمباز دوتیم شده و نیمی از آن به خارک تبدیل شده و نیمی از آن نارس است.

**رطب:** ثمر تازه نخل است. رطب گوشتی و کاملاً رسیده است و هسته‌ای سخت و پوستی نازک دارد و طعمش بسیار شیرین است. رطب‌ها به شکل خوشه‌ای بزرگ از شاخه آویزان می‌شود.

**خرما:** خرما از مرحله رطب گذشته و برآی مصرف دی‌تر و نگهداری طولانی‌تر بسته‌بندی می‌شود.

**کنگا:** خرمای خشک و پزمرده شده‌ای است که خوراک حیوانات می‌شود.

**هسته اسبک:** پذر خرما؛ هسته سختی است پشتت آن صاف طرف دیگر آن دارای شیار است و هنگام کاشتن از جهت شیارش جوانه می‌زند.

**قطمیر:** پوست بسیار نازکی است که بین خرما و هسته آن قرار دارد. در قرآن به کنایه از قطمیر به عنوان چیز کم و اندک و بی مقدار یاد شده است.

**رساله:** خوشه کوچک خارک، تعداد زیادی از رساله‌ها در کنار هم پنگ را تشکیل می‌دهند.



**کوتک:** کلاhek کوچکی است که بر سر هسته خرما و رطب قرار دارد و میوه خرما را به پنگ متصل کرده است.

خارک، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

**تاره یا طلع:** غلافی است که اصل ثمر نخل شکوفه نر و ماده در درونش جای گرفته موقع لقاح از گردنر که در تاره است و به عربی «نبات» می‌گویند. نخل کارها تاره را به ثمر تازه شکفته شده ماده می‌زنند تا لقاح انجام شود. گسرد تاره نخل نر را می‌توان بیش از یکسال نگهداری و ذخیره کرد.

**تاپ:** قسمت پهنی است که بین الیاف به تنه نخل چسبیده است. **پنگ:** خوشه بزرگ خرماست که از چند خوشه کوچک تشکیل شده است.

**لیف:** همان الیاف اطراف تنگ نخل و بین تاپ‌هاست که چسبیده به تنه نخل است. در مناطق جنوبی از لیف، ریسمان، صنایع دستی و… می‌سازند.

**پیش‌دل نخل:** به برگ‌هایی که در بالاترین بخش سرس نخل می‌روید. و شاخه‌های جوان آن به حساب می‌آید پیش‌دل نخل می‌گویند. از پیش‌دل نخل برای ساخت اشیای ظریف از قبیل بادبز، سبد و دیگر صنایع دستی استفاده می‌شود.

**پیش:** برگ درخت خرما که در اطراف تنه نخل یا گرد می‌روید. **گرد:** چوب بلند درخت خرما که تنه نخل است. **باگرد:** قسمت بین تاپ و گرد که از گرد پهن‌تر و از تاپ باریکتر است، پا گرد و به عربی گاگرد می‌گویند. **غاب:** پنبیر و مغز نخل است در سر نخل. غاب مانند پنبیر، سفید شیرین، خوشمزه و مقوی است.

**خارسله:** خارتیز و بلندی است که برای حفاظت میوه نخل دور تا دور پنگ می‌رویند. یکی از کاربردهای آن این است که پس از در آوردن غاب یک عدد یا بیشتر از آن را در غاب فرو می‌کنند که تلخ نشود.

**مخ:** درخت خرما در جنوب، بسیاری از مردم به نخل مخ می‌گویند. **دمیت یا فسیل:** پاجوش یا نهالی که از ریشه در زمین به تنه نخل چسبیده است. مخ‌کش مانند علف هرز از رشد و نمو نخل جلوگیری می‌کند و نخل کارها آن را می‌چینند.

حاج علی جمالی معتقد است همشهری‌هایش بهترین محصول کبکاب ایران را تولید می‌کنند

# خرمای باستانی بهرام آباد



حاج علی جمالی، همشهری‌هایش بهترین محصول کبکاب ایران را تولید می‌کنند

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

خرماها بسته به نخل‌شان، انواع مختلفی دارند؛ از خرمای «پیوم» بگبرید تا خرمای «برهی» اما از نخلستان‌های بهرام‌آباد، عمدتاً خرمای «کبکاب» برداشت می‌شود که خرمایی پرگوشت و پرشیره است. ب

هرام‌آبادی‌ها مدعی هستند که بهترین «کبکاب» ایران، در نخلستان‌های آن‌ها بسه عمل می‌آید. «کدام کبکاب را سراغ دارید که از خرمای ما بهتر باشد؟» حاج علی این ادعا را به پشتوانه شصت سال نخل‌داری و خرماکاری می‌گوید. وعده می‌دهد که ما را به طعم شیرین رطب‌های کبکابی مهمان کند که مرادماه چیده و در یخچال خانهاش، مثل روز اول‌شان‌تر و تازه هستند.

او در خانه‌اش، خرما هم دارد که بخشی از محصول اسمال نخل‌هایش هستند. نخل‌هایی که حالا دیگر پسرانش، عهددار رسیدگی به آن‌ها هستند. همه کار حاج علی جمالی حالا این است که ریزه‌کاری‌های نخل‌داری و خرماکاری را به پسرانش و دیگر جوان‌های علاقه‌مند بهرام‌آبادی یادآوری کند.

### نخل‌های سیور بهرام‌آباد

نخلستان‌ها هنوز هم همان نخلستان‌ها هستند و راه و رسم خرماکاری همان. در این میان آنچه کم و کمتر شده، آبی است که روزگاری پر خروش در زهکش میان نخلستان‌ها جاری بود و حالا دیگر کفاف تشنگی این همه نخل را نمی‌دهد.

«فقدان هشتاد سال است که ما با دست خالی، این نخلستان‌ها را سرپا کرده‌ایم. حالا سدی زده‌اند به نام رئیس‌خانه دلوازی. آب ما را می‌دهند برای کاشتن هندوانه»

حاج علی از نحوه پخش آب سد گلایه دارد. آب‌پخش که حتی در همین روزگار معاصر بسا چندین و چند کلال آب احاطه شده بود و کلال‌ها در سرتاسر نخلستان‌هایش ریشه دوانده بودند، حالا سال‌هاست که با بی‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند؛ نخل‌ها اما درختان صوری هستند، به صوری مردمی که اینجا در بهرام‌آباد در دل دشتستان زندگی می‌کنند. آن‌ها حتماً بی‌آبی را هم تاب می‌آورند و باز بهار سال بعد برگ می‌کنند و خرمایازن سال بعد، رطب‌های تازه می‌دهند؛ رطب‌های شیرین کمکایی که به گفته حاج علی جمالی، بهترین کبکاب‌های ایران است.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

✦ **خرمای خضراوی:**خرمایی از دپار عراق و بیش‌ترین سطح زیر گشت در خوزستان را بعد از خرمای استعمران دارد. از جمله خرماهای زود رس و نرم به شمار می‌رود و هسته بیضی شکل با رنگ قهوه‌ای کم رنگ، با میزان چسبندگی هسته به میوه کم دارد.

✦ **خرمای خاصیوی:**خرمای خاصیوی را اکثراً مردم نمی‌شناسند. اما از مهم‌ترین ارقام کشاورزی بهبهان در استان خوزستان به شمار می‌رود و مرغوب و شیرین است. خرمایی خاص برای مخاطباتنی خاص!

✦ **خرمای شکر:**خرمای شکر به نسبت سایر خرماهایی که ذکر کردیم، دارای قند بیش‌تر است و شیرین‌تر بوده و رنگ آن در مراحل مختلف رسیدن به ترتیب سبز متمایل به زرد و قهوه‌ای بوده و از ارقام زودرس و اقتصادی در میان خرماها محسوب می‌شود. میوه‌ای تقریباً خشک است و می‌توان به عنوان یک میان وعده خوبی طبیعی استفاده کرد.

✦ **خرمای مردانگ:**اسم عجیب برای خرمایی عجیب! خرمایی معروف در استان کرمان که رنگ میوه زرد و کیفیت عالی دارد. تقریباً در مناطق دیگر کشور برای فروش عرضه نمی‌شود و اگر خواهان خوردن این خرما هستید، توصیه می‌کنیم به مناطق جنوب کشور سفر کنید

✦ **خرمای پیارم:**در جنوب ایران و استان هرمزگان، یکی از خوشمزه‌ترین خرماهای نیمه خشک ایران و جهان تولید می‌شود که مخاطبان جهانی دارد. نخل‌های پیارم عمدتاً در دامنه کوه‌ها کاشته می‌شود . پیارم را معروف‌ترین محصول کشاورزی هرمزگان می‌دانند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

✦ **خرمای آل مهتری:**از خرماهای مهم استان نفت خیز هرمزگان به شمار می‌رود و زود رس بوده و ارزش اقتصادی بالا دارد.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.

کبکاب، خوشه‌های نخل که در آن میوه‌ها هنوز نرسیده‌اند.





## یادداشت

### تئاتر یک کار فرهنگی است، نه یک تفریح صرف



**زهرة مرادی** می‌کنند. این خیلی خوب است که هر کاری دیگر روی صحنه نرود. برخی فکر می‌کنند که صرف وجود بازیگر چهره باعث آمدن تماشاگران شده است. خب شاید بعضی از تماشاچیان برای بازیگر چهره آمده باشند، ولی «باغ خونی» آن قدر خوب بود که مخاطبان می‌گفتند علاوه بر بازیگران چهره، دیگر بازیگران و عوامل کار هم خیلی خوب بودند. اولین کسانی که با صداقت با من برخورد می‌کنند خانواده من هستند. آن‌ها به من می‌گفتند کار عالی است. نمی‌گفتند فقط دوستانی که از تهران تشریف آوردند عالی هستند، می‌گفتند کار عالی است.

نظر من هم در خصوص حمایت، مانند دوستان دیگر است. واقعیت این است که ما حمایت نمی‌شدیم. ولی همین که کار با مطالعه بود و نمایشی ارزشمند روی صحنه آمد اتفاق خوبی بود که افتاد. چون به هر حال ما داریم کار فرهنگی می‌کنیم و انتقال مفاهیم به دیگران باید به لحاظ شعور فرهنگی در سطح مناسب و لایالی باشد. ما به هیچ وجه فقط سرگرمی نیستیم و تئاتر یک کار فرهنگی است. باید به این نکته توجه داشته باشیم.

### زمانبندی اکران «باغ خونی» کاملاً قانونی است

متأسفانه حواشی نادرستی درباره زمانبندی اکران کار در سالن تئاتر شهر به وجود آمد که باید درخصوص آن مختصری توضیح بدهم. من در دوره‌ای نزدیک به یک سال معاون انجمن نمایش استان در امور مشهد بودم و با روند کار آشنایی دارم. همچنین چون شغل دیگرم و کالت است و وکیل دادگستری هستم، هم چیز را از زاویه قانون نگاه می‌کنم. نمایشی می‌تواند در سالن‌های دولتی زمان اجرا بگیرد که مجوز شورای نظارت را داشته باشد. این در تهران هم مرسوم است. یعنی من نمی‌توانم نمایشی را شروع کنم و الان تقاضا بدهم برای پیک فصل اجرا که در اردیبهشت است و آنجا را اشغال کنم، بعد فروردین ماه بروم بازیبندی بدهم و کارم رد بشود و سالن در اردیبهشت ماه خالی بماند. کما اینکه در دوره خود من این اتفاق افتاد. یعنی کارگردانی آمد در اردیبهشت ماه تایم اجرا گرفت، اما کارش در شورای نظارت رد شد و اردیبهشت ماه آن سال، سالن اصلی خالی بود. هیچ اجرایی روی صحنه نرفت و هیچ گروهی آماده نبود. پس دوستانی که ادعا می‌کنند این تایم اجرا برای ماست اول باید ایراد قانونی به حرفشان گرفته شود. شما از طرف شورای نظارت بر نمایش، مجوز لازم را نداشتید. پس اخذ تایم سالن اشتباه است. اگر هم انجمن قبل از پذیرش، زمان اجرا داده است، آن‌ها هم اشتباه کرده‌اند، چرا که من زمانی می‌توانم اینجا زمان اجرا بگیرم که مجوز داشته باشم. شما هرچا بخواهی کار کنی باید مجوز اماکن را داشته باشی. اگر مجوز اماکن نداشته باشی نباید بگویی مکان به ما ندادند. شما هم مجوز شورای نظارت را نداشتی که بخواهید بیایید. من اسم نمی‌برم چون خودشان می‌دانند چه کسی مجوز دارد و چه کسی ندارد. بین این نمایان‌شاید یکی دو تا کار مجوز نداشته باشند، اما تا جایی که من می‌دانم هیچ و حتی سر یک کار دیگر که مدعی اجرا بودم به عنوان بازیگر مدتی حضور داشتم، حرف‌شان ایراد قانونی دارد. درباره این حواشی اول باید ایراد قانونی برطرف شود و بعد ببینیم حواشی وجود دارد یا نه. شورای نظارت بر نمایش کار آقای بشیری را در یک زمانی که هنوز این سر و صداها نبود، آمدند و دیدند و مجوز را اعلام کردند. بعد از آن هم بیان شد که ما در ۶ دی ماه اجرا داریم.

### زمانبندی اکران «باغ خونی» کاملاً قانونی است

**امیراحسان امیرپور** متأسفانه حواشی نادرستی درباره زمانبندی اکران کار در سالن تئاتر شهر به وجود آمد که باید درخصوص آن مختصری توضیح بدهم. من در دوره‌ای نزدیک به یک سال معاون انجمن خودمان دچار بحران هستیم. یعنی نمی‌دانیم چقدر نسل جدیدمان با گذشته و فرهنگ خودش اشتناست و آن را می‌شناسد؛ گذشته‌ای که تأثیر زیادی بر فرهنگ کنونی ما دارد.

متأسفانه تاکنون هم برنامه‌ای برای حل این بحران نداشته‌ایم. ممکن است فکر کنید که چاره کار تلاش هنرمندان است. نماند، اما مخاطب خیلی بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. کلید حل این معضل هم فقط دست ما هنرمندان نیست؛ ما تنها می‌توانیم مسیر را برای آشنایی مردم با فرهنگ خودشان هموار کنیم. کوچک‌ترین مصداق این مشکل، همین تخریب انبیه تاریخی ماست که به راحتی از بین می‌رود و تنها سه چهار روز در صدر رسانه‌هاست و بعد دوباره فراموش می‌شود. مشکل اینجاست که ما فکر می‌کنیم تنها سه چهار تا خشت از بین رفته است و مسئله مهمی نیست، در حالی که آن‌ها خشت‌های فرهنگ این سرزمین هستند که نابود می‌شوند. این دغدغه هویتی در نمایش باغ خونی هم وجود دارد و می‌شود از ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی به آن نگاه کرد.

تقریباً یک سال و نیم پیش بود که با بچه‌های گروه تئاتر آوان به این توافق رسیدیم که خوب است درباره تاریخ نمایش «باغ خونی» که اثری تاریخی عاشقانه و برگرفته از تاریخ یکی از مکان‌های مهم مشهد قدیم بود، دیشب در سالن اصلی تئاتر شهر به کار خود پایان داد. در این نمایش که امیر بشیری آن را کارگردانی می‌کرد، بازیگرانی چون پرویز فلاحی پور، کامران تفتی، محمد الیی، سعید صادقی، زهره مرادی، امیراحسان امیرپور، سجاد انظاری و بسیاری از بازیگران مشهدی ایفای نقش کردند. اما فارغ از بازخوردهای مثبت مخاطبان این نمایش، اینکه نمایشی با موضوعی تاریخی در دوران فراموشی میراث گرفتار گذشتگان به روی صحنه برود، اقدامی قابل تقدیر و شایسته است.

**ادب و هنر / فاطمی‌نسب / شیخ الاسلامی |** نمایش «باغ خونی» که اثری تاریخی عاشقانه و برگرفته از تاریخ یکی از مکان‌های مهم مشهد قدیم بود، دیشب در سالن اصلی تئاتر شهر به کار خود پایان داد. در این نمایش که امیر بشیری آن را کارگردانی می‌کرد، بازیگرانی چون پرویز فلاحی پور، کامران تفتی، محمد الیی، سعید صادقی، زهره مرادی، امیراحسان امیرپور، سجاد انظاری و بسیاری از بازیگران مشهدی ایفای نقش کردند. اما فارغ از بازخوردهای مثبت مخاطبان این نمایش، اینکه نمایشی با موضوعی تاریخی در دوران فراموشی میراث گرفتار گذشتگان به روی صحنه برود، اقدامی قابل تقدیر و شایسته است.

با امیر بشیری، کارگردان این نمایش تاریخی عاشقانه گفت‌وگویی انجام داده‌ام که در ادامه می‌خوانید: امیر بشیری، بازیگر و کارگردان جوان و آینده دار مشهد است که سابقه بازی در نمایش‌های «دین راه می‌نهایت»، «عاشقستان» «دیدار در اتاق ۳۳۹»، «آقای بذرافشان» و همچنین سابقه کارگردانی نمایش‌های «تجوهای شبانه»، «پدرانه» «رض توست در طول تاریخ»، «جسام از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» و… را در کارنامه کاری خود به همراه دارد. او همچنین بارها از سوی جشنوارهای بین‌المللی تئاتر انگلستان، روسیه، کلمبیا، فرانسه و… به عنوان بازیگر تقدیر شده است.

**چه شد که به طرح نمایش «باغ خونی» رسیدید؟** من فکر می‌کنم ما در مسالل هویتی شهر و استان خودمان دچار بحران هستیم. یعنی نمی‌دانیم چقدر نسل جدیدمان با گذشته و فرهنگ خودش اشتناست و آن را می‌شناسد؛ گذشته‌ای که تأثیر زیادی بر فرهنگ کنونی ما دارد.

متأسفانه تاکنون هم برنامه‌ای برای حل این بحران نداشته‌ایم. ممکن است فکر کنید که چاره کار تلاش هنرمندان است. نماند، اما مخاطب خیلی بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. کلید حل این معضل هم فقط دست ما هنرمندان نیست؛ ما تنها می‌توانیم مسیر را برای آشنایی مردم با فرهنگ خودشان هموار کنیم.

کوچک‌ترین مصداق این مشکل، همین تخریب انبیه تاریخی ماست که به راحتی از بین می‌رود و تنها سه چهار روز در صدر رسانه‌هاست و بعد دوباره فراموش می‌شود. مشکل اینجاست که ما فکر می‌کنیم تنها سه چهار تا خشت از بین رفته است و مسئله مهمی نیست، در حالی که آن‌ها خشت‌های فرهنگ این سرزمین هستند که نابود می‌شوند. این دغدغه هویتی در نمایش باغ خونی هم وجود دارد و می‌شود از ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی به آن نگاه کرد.

تقریباً یک سال و نیم پیش بود که با بچه‌های گروه تئاتر آوان به این توافق رسیدیم که خوب است درباره تاریخ نمایش «باغ خونی» که اثری تاریخی عاشقانه و برگرفته از تاریخ یکی از مکان‌های مهم مشهد قدیم بود، دیشب در سالن اصلی تئاتر شهر به کار خود پایان داد. در این نمایش که امیر بشیری آن را کارگردانی می‌کرد، بازیگرانی چون پرویز فلاحی پور، کامران تفتی، محمد الیی، سعید صادقی، زهره مرادی، امیراحسان امیرپور، سجاد انظاری و بسیاری از بازیگران مشهدی ایفای نقش کردند. اما فارغ از بازخوردهای مثبت مخاطبان این نمایش، اینکه نمایشی با موضوعی تاریخی در دوران فراموشی میراث گرفتار گذشتگان به روی صحنه برود، اقدامی قابل تقدیر و شایسته است.

یک مسئله تاریخی کاری تولید کنیم. با همین نگاه محمد نقای طرح «باغ خونی» را ارائه داد که ایده‌ای جذاب بود و آن نگاه و دغدغه هویتی و تاریخی را هم با خودش به همراه داشت. از طرفی از زاویه اجتماعی و خانوادگی به قضیه نگاه کرده بود و این بر جذابیت کار می‌افزود. همه درباره اجرای این ایده موافق بودیم.

### ♦ در این میان حمایتی از کار صورت گرفت؟

ما در گروه تئاتر آوان همیشه مستقل بودهایم و هزینه‌ها از خودمان تهیه می‌کردیم. اما آن موقع به دلیل هزینه‌های بالای «باغ خونی» توانایی تولید این اثر را نداشتیم.

جاهای زیادی رقتیم تا بتوانیم شرایط تولید اثر را فراهم کنیم، اما کار روی زمین ماند تا تابستان امسال که انجمن هنرهای نمایشی ایران در مشهد و استان اعلام کرد اگر با این موضوعات تاریخی و هویتی، اثری باشد ما حمایت می‌کنیم. وقتی طرح را به آن‌ها ارائه دادیم، در نهایت کار انتخاب شد و ما وارد مرحله پیش تولید شدیم. من روند تولید کار را مختصر گفتم، اما واقعیت این است که باغ خونی سختی‌های زیادی برای ما داشت.

### ♦ تولید این نمایش هزینه بالایی داشته است؟

نه، به لحاظ هزینه‌ای خرج بالایی نداشتیم. نمایش باغ خونی در حجم وسیعی برگز شد. به اصطلاح نمایش پروداکشن زیادی داشت. اما اینکه فکر کنید هزینه چند میلیون یا میلیاردی داشته نه اینگونه نیست. ما با اینکه انجمن هنرهای نمایشی حمایت‌های خوبی از کار کرده، سعی کردیم با کمترین هزینه‌ها نمایش را روی صحنه ببریم. حرفه‌ای نیست که من عدد و رقم بگویم، اما هزینه زیادی برای تولید نمایش نداشتیم. بخش زیادی از هزینه‌های ما با بلیت فروشی جبران می‌شد. اینطوری نیست که هزینه کلانی به ما داده شود و حالا ما بایمانها را روی میز بگذاریم و برامان مهم نباشد که چند نفر تئاتر را می‌بینند. به همین دلیل هم دوستان روابط عمومی تئاتر تلاش زیادی کردند تا کار را در سطح شهر معرفی کنند.

**♦ استقبال مخاطبان را چطور ارزیابی می‌کنید؟** خدا را شکر هر شب سالن پر می‌شد و مردم استقبال خوبی می‌کردند.

**♦ می‌خواهم کمی درباره وجود ژانر تاریخی و اجتماعی در تئاتر صحبت کنیم؛ تئاتری که روایت صرف تاریخ نباشد و به باز آفرینی مؤثر بپردازد؛ این نوع تئاتر را در کشور چقدر رو به جلومی‌بینید؟**

**گفت‌وگو با امیر بشیری، کارگردان نمایش «باغ خونی» که به ماجرای قیام مسجد گوهرشاد می‌پردازد**

# یک تاریخی عاشقانه



می‌گویم، نه، اجرا نمی‌شد.

**♦ نتیجه حرفتان این می‌شود که در هنر، اقتصاد حرف اول را می‌زند!**

صد در صد. بعد از این نمایش، همه آثار دیگر همین‌گونه‌اند. اصلاً بخش زیادی از اتفاق همین اقتصاد هنر است. ما باید بتوانیم اقتصاد هنرمان را فعال کنیم. شرایطی ایجاد کنیم که مردم هزینه کنند و این نمایش‌ها را ببینند. تعارف که نداریم. شرایط اقتصادی اکنون واقعاً دشوار است. فردی می‌خواهد تئاتر ببیند، با بلیت ۱۵ هزار تومان و ۲۰ هزار تومان، اگر سه نفر باشند، می‌شود ۶۰ هزار تومان. طبیعتاً با این مبلغ کارهای دیگری می‌تواند انجام دهد که نیاز اصلی اوست.

**♦ دوستان هنرمندی در تئاتر هستند که این حرف‌ها دغدغه آن‌ها نیستند. دوست دارند فقط چیزی بنویسند که بفروشند؛ که در وهله اول عیب هم نبیست. اما از یک دید والا‌تری به فضای نگاه نمی‌کنند و آورده کارشان صرفاً تفریح است.**

بله. گاه تئاترهای ساختی می‌شود که اگر کسی آن را ببیند، با خنده‌هاش در سالن ببیند می‌گوید چه غلطی کردم که این تئاتر را دیدم!

من همیشه به بچه‌ها می‌گویم توجه داشته باشید که ما داریم برای خانواده‌ها کار می‌سازیم. به نظرمان اگر این کار را بکنیم خوب است؟ یعنی پدر خانواده خجالت نمی‌کشند از دختر ۱۴ و ۱۵ ساله‌اش؟ یا پسرش از فلان دیالوگ خجالت نمی‌کشد؟ مرز خیلی بازیگی است. ما ادعا می‌کنیم برای خانواده‌ها می‌کاریم.

این تئاتر با معضلات اجتماعی هم روی صحنه برده‌ام که بعضی‌ها گفتند چرا این تئاتر را اجرا کردی؟ من می‌گویم این یک نهیب است. یک فرصت است تا شاید بچماش را درست تربیت کند. همیشه سه سر کارهای یک مشاور خانواده حاضر بوده است. این فرض ما برای کارهایمان است تا رعایت ارزش‌ها را بکنیم. مواظبت کنیم تا یک وقت شوخی‌ای در کار نباشد که مناسب نباشد. البته کار داریم که خیلی از خانواده‌ها هم به راحتی از این شوخی‌ها استفاده می‌کنند. اما ما داریم درباره عامه مردم مان حرف می‌زنیم. چه چنین فضایی را خدا را شکر ندارند. گاهی بازیگر بداهه از ادبیات نامناسب استفاده می‌کند. باور کنید هر شب درباره این مسائل با بچه‌ها حرف می‌زنم. بارها شده به بازیگر گفتم‌ها وقتی این تعبیر را استفاده کردی این وجه را هم داشت. یعنی این‌قدر حساسیت وجود دارد و باید آن‌ها را رعایت کرد. اما این‌ها حساسیت‌های هنری ماست‌ای کاش مسئولان فرهنگی و هنری ما بیشتر از هنرمندان دغدغه و حساسیت داشتند. اگر این‌گونه بود خیلی از مشکلات حل می‌شد.

**♦ وزن را بیشتر به سمت مسئولان بردید، اما خب نمی‌توان ایستاد و تنها نظاره‌گر بود.** حرف من این است که شما خاسته به عنوان یک مسئول دغدغه‌فان را دارید که من داشته باشم؟ من به عنوان یک هنرمند به اندازه خودم دغدغه‌فان را دارم که می‌روم یک کار پلاستیو جمع می‌کنم و اجرا می‌کنم. شما چقدر دغدغه دارید؟ اگر همین نمایش «باغ خونی» تعطیل می‌شد، واقعاً چند نفر کنتاش را با این سوزه‌ها آشنا کنید.

**♦ وزن را بیشتر به سمت مسئولان بردید، اما خب نمی‌توان ایستاد و تنها نظاره‌گر بود.**

**♦ مخصوص که بحث اقتصاد در این مسائل نقش اساسی دارد.**
بله، مسئله معیشتی است. تعارف که نداریم. خدا را شکر تا جایی که در توانمان باشد به هنری که مسئله‌اش تنها اقتصاد باشد ورود پیدا نمی‌کنیم. ان‌الله که بتوانیم ادامه بدهیم، چون کار کردن در این حوزه سخت است.



### برش

**بارها شده‌به بازیگر گفته‌ام وقتی این تعبیر را استفاده کردی این وجه را هم داشت، یعنی این‌قدر حساسیت وجود دارد و باید آن‌ها را رعایت کرد. اما این‌ها حساسیت‌های هنری ماست. ای کاش مسئولان فرهنگی و هنری ما بیشتر از هنرمندان دغدغه و حساسیت داشتند. اگر این‌گونه بود خیلی از مشکلات حل می‌شد**

در کل، در تئاتر کشور اتفاقات خوبی افتاده اما نسبت به این مدل پرداخت تاریخی که صحبت می‌کنیم واقعاً هیچ اتفاقی نیفتاده است. نمی‌شود تک و توک اتفاقات این حوزه را نسبت به آن حجم از اتفاقات تاریخی گذشته، قابل توجه به شمار آورد. به لحاظ کمی هم وضعیت خوبی نداریم، چه اینکه به لحاظ کیفی هم درباره کارهایی که تولید می‌شود جای بحث است.

**♦ چه می‌شود که از این دست کارهای تاریخی هویتی کمتر تولید می‌شود؟**

هنرمند نیاز به بستر مناسب دارد. من نمی‌دانم باید مدیران ما توجه کنند یا مسئله باید در سطح کلان‌تر توجه شود، اما باید شرایطی ایجاد شود که ما سراغ این موضوعات برویم.

البته تاریخ باید شکل دراماتیک پیدا کند و مخاطب را ۷۰ دقیقه در سالن نگه دارد. طبیعتاً شکل هنری آن بر عهده هنرمند است، اما اگر بستر آن توسط مسئولان شکل بگیرد هنرمند چطور و چگونه باید روی کیفیت و هنر آن تئاتر کار کند؟ یا بستر شکل نگیرد چگونه دل تاریخ چیزی را بیرون بکشیم و به مخاطب بگوییم بیابین در فلان موقع چنین اتفاقی افتاده است؟

درست است که این کار هنرمند است، اما واقعاً نباید کسی شرایط را برای این جریان آماده کند؟

**♦ در کل کارهای تاریخی زحمت بیشتری نسبت به حوزه‌های دیگر دارد، درست است؟**

نمی‌گویم ایسن کارها کارهای پرهنرینه‌ای است، اما کارهای حساسی است. مخاطب را به سالن می‌آوریم و با چیزی آشنا می‌کنیم که شاید آن را اصلاً نشنیده باشد یا اینکه اتفاقی است که در کتاب‌های تاریخی هم وجود دارد. اما بستر سازی نمایش را چه کسی باید انجام دهد؟ اگر انجمن هنرهای نمایشی نبود اکنون «باغ خونی» روی صحنه اجرا می‌شد؟ من

## یادداشت

## بازیگران مشهدی پر قدرت و فهیم هستند

### ا پرویز فلاحی پور |

در این شب‌های اجرا سالن از مخاطب پر می‌شد و این نشان می‌داد که مردم از کار خوششان آمده و به اصطلاح، کار گرفته است. من تا حالا در شهر مشهد فعالیتی نداشتم‌ام اما اینطور که دوستان مشهدی می‌گویند تاکنون تئاتری به این صورت هر شب سالن را پر کرده است؛ حتی وقتی چهره‌های دیگر هم آمده‌اند این میزان از استقبال نبوده است. علت اصلی پذیرفتن این نمایشنامه هم این است که من و آقای تفتی متعلق به تاتار هستیم. اصلاً خودمان را هم چهره نمی‌دانیم. هم من و آقای کامران تفتی از منظر اینکه چهره هستیم به مشهد نیامده‌ایم. من تئاتری حرفه‌ای بودم و سنه جایزه معتبر دارم. هم دفاع مقدس و هم فجر و هم صدا و سیما. می‌دانم دوستانی که ما را انتخاب کردند به این دلیل بوده که ما اصالتاً تئاتری هستیم. من هم وقتی نمایشنامه را خواندم، چون زیبا بود، دیالوگ‌نویسی خوبی داشت، کلیتش درباره عشق بود و به مسئله‌ای تاریخی در مشهد می‌پرداخت، آن را می‌قبول کرده بودم. پی‌رنگ نمایش، عشق است. من می‌دانستم که به احتمال ۸۰- ۷۰ درصد کار می‌گیرد، چرا که دغدغه جهان‌شمولی دارد و مردم با آن ارتباط بود من و بقیه دوستان انرژی خوبی بگذاریم تا این کار خوب معرفی بشود و الحمدلله شد.

می‌کردند با خیال راحت‌تر سر بر بالین می‌گذارند. ما واقعاً آدم دغدغه‌مند کم داریم. نمی‌گویم نیست. اما خیلی کم هستند! این دیالوگ به این معنا نیست که هیچ مسئول دغدغه‌مندی وجود ندارد.

**♦ دوستان هنرمندی در تئاتر هستند که این حرف‌ها دغدغه آن‌ها نیستند. دوست دارند فقط چیزی بنویسند که بفروشند؛ که در وهله اول عیب هم نبیست. اما از یک دید والا‌تری به فضای نگاه نمی‌کنند و آورده کارشان صرفاً تفریح است.**

بله. گاه تئاترهای ساختی می‌شود که اگر کسی آن را ببیند، با خنده‌هاش در سالن ببیند می‌گوید چه غلطی کردم که این تئاتر را دیدم!

من همیشه به بچه‌ها می‌گویم توجه داشته باشید که ما داریم برای خانواده‌ها کار می‌سازیم. به نظرمان اگر این کار را بکنیم خوب است؟ یعنی پدر خانواده خجالت نمی‌کشند از دختر ۱۴ و ۱۵ ساله‌اش؟ یا پسرش از فلان دیالوگ خجالت نمی‌کشد؟ مرز خیلی بازیگی است. ما ادعا می‌کنیم برای خانواده‌ها می‌کاریم.

این تئاتر با معضلات اجتماعی هم روی صحنه برده‌ام که بعضی‌ها گفتند چرا این تئاتر را اجرا کردی؟ من می‌گویم این یک نهیب است. یک فرصت است تا شاید بچماش را درست تربیت کند. همیشه سه سر کارهای یک مشاور خانواده حاضر بوده است. این فرض ما برای کارهایمان است تا رعایت ارزش‌ها را بکنیم. مواظبت کنیم تا یک وقت شوخی‌ای در کار نباشد که مناسب نباشد. البته کار داریم که خیلی از خانواده‌ها هم به راحتی از این شوخی‌ها استفاده می‌کنند. اما ما داریم درباره عامه مردم مان حرف می‌زنیم. چه چنین فضایی را خدا را شکر ندارند. گاهی بازیگر بداهه از ادبیات نامناسب استفاده می‌کند. باور کنید هر شب درباره این مسائل با بچه‌ها حرف می‌زنم. بارها شده به بازیگر گفتم‌ها وقتی این تعبیر را استفاده کردی این وجه را هم داشت. یعنی این‌قدر حساسیت وجود دارد و باید آن‌ها را رعایت کرد. اما این‌ها حساسیت‌های هنری ماست‌ای کاش مسئولان فرهنگی و هنری ما بیشتر از هنرمندان دغدغه و حساسیت داشتند. اگر این‌گونه بود خیلی از مشکلات حل می‌شد.

**♦ وزن را بیشتر به سمت مسئولان بردید، اما خب نمی‌توان ایستاد و تنها نظاره‌گر بود.** حرف من این است که شما خاسته به عنوان یک مسئول دغدغه‌فان را دارید که من داشته باشم؟ من به عنوان یک هنرمند به اندازه خودم دغدغه‌فان را دارم که می‌روم یک کار پلاستیو جمع می‌کنم و اجرا می‌کنم. شما چقدر دغدغه دارید؟ اگر همین نمایش «باغ خونی» تعطیل می‌شد، واقعاً چند نفر کنتاش را با این سوزه‌ها آشنا کنید.

**♦ وزن را بیشتر به سمت مسئولان بردید، اما خب نمی‌توان ایستاد و تنها نظاره‌گر بود.**

**♦ مخصوص که بحث اقتصاد در این مسائل نقش اساسی دارد.**
بله، مسئله معیشتی است. تعارف که نداریم. خدا را شکر تا جایی که در توانمان باشد به هنری که مسئله‌اش تنها اقتصاد باشد ورود پیدا نمی‌کنیم. ان‌الله که بتوانیم ادامه بدهیم، چون کار کردن در این حوزه سخت است.

## خراسان، خطه‌ای بازیگر خیز است

### اسعید صادقی |

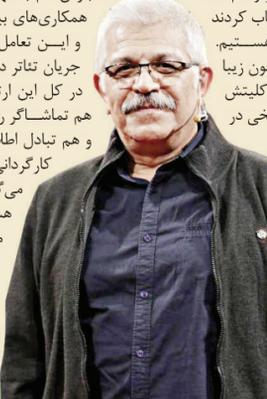
باشد که در یک نمایش همه پایتخت‌نشین باشند، بلکه باید تیمی باشد که از دو طرف در آن حضور داشته باشد تا تبادل تجربه در این نمایش‌ها صورت بگیرد. بخصوص ما در سال‌های اخیر در جشنواره تئاتر فجر مقام‌های زیادی آوردیم و نشان داده‌ایم که در کارگردانی و بازیگری و نویسندگی در یک سطح رقابت می‌کنیم. خدا را شکر همه بچه‌های ما حتی آن‌هایی که ۵ دقیقه نقش داشتند، کارشان را با خوبی انجام می‌دادند و مخاطب با آن‌ها همذات‌پنداری می‌کرد. مبهوت چهره‌ها هم نشندند که خواهند کم کاری کنند. برای همین از کارگردانی تا نوشته و بازیگرها همه چیز به خوبی پیش رفت. به خاطر همین ویژگی هاست که «باغ خونی» به خوبی شکل گرفت و نمایش شریفی شد.

تأکید می‌کنم شرافتی که این نمایش دارد، در همه، از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین فرد آن وجود دارد. من شاهد بودم که همه صادقانه تلاش کردند برای اینکه یک نمایش عالی روی صحنه ببرند، نه یک شو را در مجموع تئاتر مشهد را رو به جلو می‌بینم. یک مقدار اصلاح آن نگاه از سمت دوستان تئاتری و مسئولان باعث شده تئاتر مشهد پیشرفت کند و دیده شود. باید کمی مهرتران به هم نگاه کنیم. این موجب می‌شود زودتر پیشرفت کنیم و مسیر ۱۰ ساله را پنج ساله برویم.



به جرت می‌گویم خراسان یک سرزمین و خطه بازیگرخیز است. خیلی از بازیگران سینما و تئاتر امروز کشور، مشهدی و خراسانی هستند و اتفاقاً بهترین‌هایشان خراسانی هستند. من همیشه می‌گویم فرق خیلی از بازیگرانی که در تئاتر مشهد فعالیت می‌کنند با سلبریتی‌ها در یک چیز است؛ آن‌ها معروف‌اند و ما نیستیم. متأسفانه همه چیز در تهران متمرکز شده و اگر فردی بخواهد به صورت گسترده‌تر فیلم و تئاتری بازی کند باید کوچ کند. تولیدات شهرستانی ما نسبت به ظرفیتی که وجود دارد، کم است و باید این نگاه شهرستان و تهران و بماند و همانجا فعالیت کند.

بارها آقای فلاحی پور و تفتی گفته‌اند که از تیم بازیگری «باغ خونی» شگفت زده شدند. حس کردند آمده‌اند در شهری که بازیگری در آن موج می‌زند. شاید می‌دلیل نباشد که می‌گویند مشهد قطب دوم تئاتر کشور است. منتها میدان‌های بزرگ‌تر به بازیگر این شرایط را می‌دهد که تجربه بهتری داشته باشد. من در مشهد طی ۵ سال فقط با سه چهار کارگردان می‌توانم کار کنم، ولی در تهران طی همین مدت زمان می‌توانم با ۱۰ کارگردان کار کنم. تفاوت‌ها اینجایها ایجاد می‌شود. بودجه‌ها هم قابل مقایسه نیست. با این اوصاف به نظرم کنیم این موجب می‌شود زودتر اتفاق مبارکی است و ما به این دست نمایش‌ها نیاز داریم. نباید طوری می‌کنم و لاغیر.



**اسیما** و **سینما** ازهره کهندل | ماجرای زن خانه‌داری که با داشتن دو فرزند خردسال، از آشنا و فامیل برای فیلمش بازی می‌گیرد و باید حواشش به نور صحنه، صدا و بازیگوشی کودکان هم باشد، حتماً شنیدنی است. فیلمسازی با دستان خالی، ماجرای «سپیده شراهی» کارگردان فیلم «کلت» است که اثرش برنده فانوس بخش «فیلم ما» در جشنواره عمار شده است. فیلم کوتاهی که در آن، ترامپ با تفنگ پلاستیکی کودکان از صفحه تلویزیون پاک می‌شود و خانواده‌ای را نشان می‌دهد که فرصت باهم بودنشان را با عبور از بحث‌های بی نتیجه سیاسی که جز اضطراب و ناامیدی، حاصلی برایشان ندارد خراب نمی‌کنند. با سپیده شراهی که فیلمش منتخب بخش «فیلم ما» در این دوره از جشنواره عمار شده است، درباره تجربیات و مصائب ساخت فیلم کوتاهش گفت‌وگو کردیم. فراخوان «بخش ما» در جشنواره عمار، بخشی بود که افراد می‌توانستند با داشتن حداقل اطلاعات فیلمسازی و امکاناتی مثل تلفن همراه و دوربین خانگی، آثار خود را در بخش «فیلم ما» شرکت دهند. در این بخش، تکنیک و فرم اهمیت چندانی نداشت و بیشتر ثبت سوزو و محتوا مهم بود.

♦ **با وجود اینکه دو فرزند کوچک دارید که یکی از آن‌ها شیرخوار است و خودتان هم خانه دارید، چه شدد که سراغ فیلمسازی رفتید؟**

من قبلاً فعالیت اجتماعی زیادی داشتم. با وجود اینکه خانه دار هستم و دوتا بچه دارم که یکی هشت ماهه است و یکی هم دو ساله، از حضور اجتماعی‌ام کم نکردم. با اینکه شرایط سختی با وجود دو فرزندکوچکم برای فیلمسازی داشتم، ولی یاعلی گفتیم و سوژه‌ای را که در ذهنم شکل گرفته بود، به تصویر کشیدم. امکانات فیلمسازی هم نداشتم. تصویربردار فیلم، دوستم بود. صدابردار و منشی صحنه هم نداشتم و همه کارها برعهده خودم بود. بازیگران کار هم از اقوام و آشنایان هستند که بازی گرفتن از آن‌ها بسیار دشوار بود و باید حتماً توجیهشان می‌کردم. خدا را شکر حس خوبی که می‌خواستم را به مخاطب منتقل کردم. این فیلم، تنها فیلم منتخب جشنواره عمار بود که در مراسم افتتاحیه جشنواره اکران شد و تشویق حضار، نشان از موفقیت آن داشت.

♦ **درباره موضوع فیلمتان توضیح می‌دهید و اینکه چطور به این سوژه رسیدید؟**

در این فیلم کوتاه، یک میهمانی خانوادگی را به تصویر کشیدیم که به خاطر صحبت‌های ترامپ در مورد نقض برجام، بین اعضای خانواده، بحث

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

سیمایا

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

## فیلم‌سازی یک خانم خانه‌دار با امکانات امانتی



### برش

با وجود اینکه خانه دار هستم و دوتا بچه دارم که یکی هشت ماهه است و یکی هم دو ساله، از حضور اجتماعی‌ام کم نکردم. با اینکه شرایط سختی با وجود دو فرزندکوچکم برای فیلمسازی داشتم، ولی یاعلی گفتیم و سوژه‌ای را که در ذهنم شکل گرفته بود، به تصویر کشیدیم

بیان کند. خدا را شکر فیلم، تدوین موفق داشتم. با وجود اینکه زمان تدوین کار، استرس زیادی داشتم که نکند پیام و حسی که باید، به مخاطب منتقل نشود، کار خوب درآمد. من همیشه این تفکرم می‌گیرند که با تفنگ‌های پلاستیکی شان، ترامپ را که منشا این ناامیدی است، بکشند.

♦ **فیلم «کلت» چندمین تجربه فیلمسازی شما بود و گنجاندن چنین مفهومی در یک فیلم کوتاه، کار دشواری نبود؟**

«کلت» سومین فیلم کوتاهی بود که می‌ساختم. پیش از این هم در ششمین دوره فیلم عمار، یکی از فیلم‌های کوتاهم منتخب شد. زمان این فیلم با تیتراژ آن، حدود ۷ دقیقه و بدون تیتراژ ۵ دقیقه است. نکته جالب اینکه برای برخی تعجب برانگیز بود که چطور یک فیلم کوتاه در مدت زمان محدود می‌تواند چنین موضوع مهمی را

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

## فیلم‌سازی یک خانم خانه‌دار با امکانات امانتی

کار درستی نیست چون سلامت و ایمنی روانی کودکان هم با طرح این مباحث، آسیب می‌بیند.

♦ **عوامل فیلم شما عموماً از فامیل و آشنا بودند، برایمان از تجربه فیلمسازی در فضای خانوادگی بگویید؟**

خب این فیلم بسیار بازیگر بود، ضمن اینکه کارکردن با بچه‌ها هم بسیار سخت است، زود خسته می‌شوند و دیر همکاری می‌کنند. شاید در نگاه اول، ساخت فیلم سهل به نظر برسد، اما پرورسه دشواری را پشت سر گذاشتم. تدوین این فیلم ۵ دقیقه‌ای، دو ماه طول کشید. شب‌ها که بچه‌هایم را می‌خواباندم تا صبح بیدار می‌ماندم و روی تدوین فیلم، کار می‌کردم. به خاطر کمبود نیروی پشت صحنه و محدودیت تجهیزات، بخشی از صداها و فیلم‌ها را از دست داده بودم. در بخش زیادی از فیلم، مجبور به تکرار پلان بودم چون مجبور بودم کار را در سه روزی که فامیل، میهمان خانام بودند فیلمبرداری کنم. اصلاح ایرادات کار بسیار دشواری بود، مثلاً این کار، نورپردازی نداشت و بعد از تماشای فیلم‌های خام متوجه می‌شدم که نورهایم جابه جا شده یا برخی از بازیگران، تغییر موقعیت داده‌اند که به دلیل نداشتن منشی صحنه، احتمال این مسائل وجود داشت. همه تلاش‌م را کردم که با کمترین هزینه و بدون عوامل، فیلمی حرفه‌ای بسازم. دستگاه بوم صدا را به بچه‌ها داده بودم و گفتم که هر وقت اشاره کردم، روشن کنید. تجهیزات فیلمبرداری را کرایه کرده بودم و یکسری امکانات و تجهیزات را هم از مدرسه خنده اعضای خانواده را نشان می‌دهم که با روشن شدن تلویزیون و صحبت‌های ترامپ، خنده‌ها به سکوت تبدیل می‌شود. بچه‌ها متوجه این سکوت عجیب و یأس بزرگ ترها می‌شوند، با هم نقشه می‌کشند که عامل این ناامیدی را از پا در بیاورند.

کردن دور شده است.

♦ **این مسائل در فیلم هم نمود یافته است؟**

همه سعی‌ام را کردم که چنین باشد. در این فیلم، یک میهمانی خانوادگی را به تصویر کشیدیم که سه چهار تا از بچه‌ها، در گوشه‌ای دارند با هم از حضور اجتماعی‌ام کم نکردم. با اینکه شرایط سختی با وجود دو فرزندکوچکم برای فیلمسازی داشتم، ولی یاعلی گفتیم و سوژه‌های را که در ذهنم شکل گرفته بود، به تصویر کشیدیم

بیان کند. خدا را شکر فیلم، تدوین موفق داشتم. با وجود اینکه زمان تدوین کار، استرس زیادی داشتم که نکند پیام و حسی که باید، به مخاطب منتقل نشود، کار خوب درآمد. من همیشه این تفکرم می‌گیرند که با تفنگ‌های پلاستیکی شان، ترامپ را که منشا این ناامیدی است، بکشند.

♦ **فیلم «کلت» چندمین تجربه فیلمسازی شما بود و گنجاندن چنین مفهومی در یک فیلم کوتاه، کار دشواری نبود؟**

«کلت» سومین فیلم کوتاهی بود که می‌ساختم. پیش از این هم در ششمین دوره فیلم عمار، یکی از فیلم‌های کوتاهم منتخب شد. زمان این فیلم با تیتراژ آن، حدود ۷ دقیقه و بدون تیتراژ ۵ دقیقه است. نکته جالب اینکه برای برخی تعجب برانگیز بود که چطور یک فیلم کوتاه در مدت زمان محدود می‌تواند چنین موضوع مهمی را

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

گفت‌و گوی با کارگردان فیلم کوتاه «کلت» که فانوس جشنواره عمار را در بخش «فیلم ما» کسب کرد

# فیلم‌سازی یک خانم خانه‌دار با امکانات امانتی

## سیما و سپینما

**یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۷**

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | ۶ ژانویه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۸۷۲

## ویژه جشنواره مردمی فیلم عمار

ایده‌ای متفاوت در جشنواره عمار

مخاطبان با «بلیت اختیاری»

در فیلمسازی مشارکت می‌کنند

**مهر:** مخاطبان نهمین جشنواره فیلم‌های مردمی «عمار» با تهیه «بلیت اختیاری» سه هر میزان که می‌توانند از پروژه‌های بعدی فیلمسازان این جشنواره حمایت مادی می‌کنند.

راهنمایی غرفه «بلیت اختیاری» در کنار ورودی‌های اصلی سالن‌های نمایش سینما فلسطین از ایده‌هایی است که برای نخستین بار در نهمین دوره برگزاری جشنواره مردمی فیلم عمار در حال تجربه است. فیلم‌های رایفته به جشنواره «عمار» در ایام برگزاری این رویداد به‌صورت رایگان اکران می‌شود و علاقه مندان می‌توانند با حضور در سینما فلسطین رویداد بینشند، اما با وجود اکران رایگان برگزار کنندگان این جشنواره در قالب ایده «بلیت اختیاری» فرصتی را فراهم آوردند تا مخاطبان براساس میزان توانایی خود، خالقان فیلم‌های مورد علاقه‌شان را حمایت مالی کنند. در غرفه «بلیت اختیاری» پاکت‌هایی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد تا مبلغی را به انتخاب خود در آن قرار داده و با نوشتن نام فیلم مورد نظرشان روی پاکت، آن را داخل صندوق تعبیه شده بیندازند. مخاطبان در کنار مبلغ در نظر گرفته می‌توانند نظرات خود درباره همان فیلم را برای اطلاع کارگردان در پاکت قرار دهند.

در پایان برگزاری جشنواره پاکت‌های «بلیت اختیاری» براساس نام فیلم‌های درج شده روی آن دسته‌بندی و به‌صورت درسته در اختیار سازندگان فیلم‌ها قرار خواهد گرفت.

ایده «بلیت اختیاری» ریشه در تجربه جمع‌آوری کمک‌های مالی مخاطبان در اکران‌های مردمی فیلم‌های جشنواره «عمار» در طول سال دارد که حالا با سروشکلی متفاوت و با شعار «باهم فیلم بسازیم» در نهمین دوره جشنواره عمار به‌صورت رسمی ت اجرایی شده است.

**انگشتر حاج قاسم**

**به «عابدان کهنز» رسید**

**سیما و سپینما:** به گزارش «عمار فیلم»، در پنجمین روز از اکران‌های مرکزی نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، نشست خبری مستند «عابدان کهنز» با حضور مجید رستگار،

کارگردان، امیر مهریزدان، تهیه‌کننده، علی نصیرنژاد، اهنگساز و حاج خدایار بهرامی از مسجد حضرت امیرالمؤمنین کهنز برگزار شد.

حاج خدایار بهرامی در ابتدای این نشست در سخنانی درباره «کهنز» شهرستان شهیرای گفت:در این منطقه ۲۴۰ پاسدار، جوانی‌شان را برای پاسداری از ارزش‌های دینی و اسلام فدا کردند. وی اضافه کرد: امروز سپاه توانسته دو سرزمین بزرگ اسلامی را نجات دهد. اما با این وجود هنوز جای دو ارتش دیگر مانند ارتش اقتصادی و فرهنگی خالی است. ارتش اقتصادی این سرزمین باید به جایی برسد که بتواند با قدرتهای اقتصادی زمین مقابله کند، همچنین ارتش فرهنگی که شدت ضرورت آن احساس می‌شود نیز باید بتواند در بخش فیلمسازی و تئاتر با قدرتهای فیلمسازی دنیا مانند هالیوود مقابله کند.امیدوارم روزی به دست جوانان این سرزمین این موضوع محقق شود.

بهرمی بعد از این سخنان، انگشتری خود را که به یادگار از حاج قاسم سلیمانی گرفته بود، به مجید رستگار، کارگردان مستند اهدا کرد.

رستگار نیز در سخنانی در این نشست گفت:موضوع فیلم، روایت زندگی افرادی است که به خاطر داشتن یک عبادتگاه، تلاش‌های زیادی انجام می‌دهند و با کمک مردم، مسجد حضرت امیرالمؤمنین(ع) را می‌سازند. اسم فیلم را به خاطر روایت زندگی افراد عابد و زاهد، «عابدان کهنز» گذاشتم. وی با تأکید بر این که برای ساخت مستند زندگی شهید «مصطفی صدر» در جریان فتح اواسط از آقای علی اکبر جانیگر مالک رسمی، تیم تاریخ شفاهی دفتر مطالعات فرهنگی انقلاب اسلامی انجام شده بود، در سه بخش ساخت مسجد، نحوه آمدن این افراد به مسجد و شهادی «کهنز» در این مستند ساخته شد.

گفتنی است مستند «عابدان کهنز» روایت شکوفایی و بالندگی شهادی مدافع حرم «مصطفی صدر» است. «سجاد عفتنی» و «محمد آزند» و جانیازان مدافع حرم «امیرحسین حاجی نصیری» و «رضا سلمانی» در مسجد امیرالمؤمنین(ع) «کهنز» شهیرای است.

مساحت ۱۵۴٫۲۰ متر مربع خریداری بدون واسطه از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی. ۷۵۲۵ فرعی خانم خدیجه سراج بردونی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان به مساحت ۱۶۰۳۰ متر مربع خریداری مع الواسطه از آقای علی اکبر جانیگر مالک رسمی. ۱۵۷۵۴ فرعی آقای غلامرضا طاهری امیری نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان به

مساحت ۲۲۱ متر مربع خریداری بدون واسطه از مالک رسمی. ۱۶۱۵۵۶ آقای امیر محمدعلی آقایی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان به مساحت ۲۰۰۰۷ متر مربع خریداری بدون واسطه از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی. ۱۶۱۵۶۶ آقای سهراب محمدی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان به مساحت ۲۹۲٫۹۲ متر مربع خریداری بدون واسطه از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی. ۱۲۲۲۲ متقاضیان واقع در اسلام آباد پلاک اصلی ۲ بخش ۱۱

۱۲۲۲۲ فرعی خانم نسترن حسن پور بورخیلی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان به مساحت ۱۸۰ متر مربع خریداری بدون واسطه از مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این اداره ثبت محل و فرعی ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذنفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل و فرعی ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت میادرت به صورت سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حسازی تجدید حدود، مراتب را در اولین آگهی ثبتی و تجدید حدود به صورت همزمان باطالع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبتی و فاقد سابقه تجدید حدود، واحد ثبتی آگهی تجدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م. الف. ۹۷/۱۳/۱۵۲۵۹ | ۹۷/۱۳/۱۴۰۱ | ۹۷۱۵۲۱۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

مرغی خواجوی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فریدونکنار

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

